

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث ما راجع به مرحله تحقیق در بحث حجیت یا عدم حجیت قول لغوی بود؛ عرض کردیم مبانی گذشته در بحث های سابق، موثر در بحث فعلی است و ما چون در گذشته به حجیت اطمینان تاکید می کردیم در این بحث هم معیار همان اطمینان است.

وقتی انسان معنا را از لغت یاد می گیرد در بسیاری از موارد در مورد استعمال می تواند بفهمد کدام معنا مراد است. نکته: آقای باطنی یک کتابی دارد و در آن می فرماید: چطور می شود یک واژه چند معنا پیدا می کند: مثلاً کلمه تند، این کلمه در مورد کارد و چاقو به معای تیز و برنده است در مورد خوردنی ها اگر بگویند یعنی تحریک چشایی می کند؛ اگر در مورد راه رفتن باشد به معنای سریع است؛ اگر در مورد شخص باشد به معنایی بد اخلاق و عجول است... درست است که تند چند معنا دارد اما انسان از مورد استعمالش متوجه می شود که کدام معنا مراد است.

استاد علیدوست: ما گفتیم که اینها چند معنا نیست بلکه یک معنای جامع دارد که سایر معانی به آن بر می گردد. نکته دیگر: ما نباید کار لغوی را تتبع محض بدانیم بلکه کار لغوی ترکیبی از تتبع و تحقیق است؛ من در کتاب مظهر سیوطی دیدم فخر رازی گوید: آشنایی با لغت اکثراً با تتبع است و بعضی وقت ها مرکب از عقل و نقل است؛ البته عقل محض راه ندارد و لذا اگر یک سال هم بنشیند در مورد معنای کلمه ای فکر کنید فایده ای ندارد؛ بعد مثال می زند: اگر کسی دید که عرب بعد از جمع محلی به الف و لام استثناء می آورد مثلاً والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا... این را فقط انسان باید ببیند و یا بشنود و با فکر نمی شود به اینها دست پیدا کرد. از طرفی هم متوجه شد استثناء اخراج بعضی از افراد، از آنچه واژه سابق شامل می شود است؛ این دو را اگر کنار هم بگذاریم نتیجه این می شود که مفرد محلی به ال لام مفید عموم است.

استاد علیدوست: با مطالبی که گفته شد متوجه شدیم وجهی ندارد که بگوییم کار لغوی فقط تتبع محض بدانیم.

نکته دیگر: ای کاش فقهای ما در غالب تمهه برای بحث لغت، بحث کارشناس را مطرح می کردند؛ بحث های مثل حجیت قول مورخ، ادیب و

مثلاً در روایت صحیح السنن داریم دیه بیضه چپ و راست متفاوت است و برخی مثل شهیدین ردّ می کردند و وقتی به اطباء رجوع کردیم آنها هم جواب کاملی ندادند و با برهان نتوانسته اند ردّ کنند؛ این مورد و نظایر آن، بحث رجوع به کارشناس است؛ قول پزشک قانونی، قول پلیس و... هم باید از باب کارشناسی بررسی شود.

نکته آخر: معمولاً فقهای فنی و منضبط، در بحث های فقهی به تحلیل مسائل لغوی می پردازند و این تحلیل به خاطر آن است که فقها گاهی به دنبال معنای شرعی واژه هستند که از کتب لغت بر نمی آید و گاهی فقهاء به دلیل استنباط های قوی و... در لغت هم از لغوی عبور می کنند و لذا کلام لغوی در حقشان دیگر حجت نخواهد بود.

تذکر: فقهاء، خمیر مایه بحث ها را از لغویین اخذ می کنند.

کسانی که قول لغوی را حجت نمی دانند اگر برایشان از قول لغوی اطمینان حاصل شود به قول لغوی اخذ می کنند؛ البته فقط مرحوم آقا سید مصطفی این را نمی پذیرد چرا که ایشان اطمینان را حجت نمی داند.

الحمد لله رب العالمین